





مقابله معنوی و چالش وجودی در مادران دارای فرزند اتیسم: درکی کیفی از جهان بینی پذیرش بالا

ابتسام محمدی مزرعی^۱، یاسر رضا پور میر صالح^۲ ³، حمیدرضا آریانپور^۳ ⁴، فاطمه دافعیان^۱

۱. کارشناسی ارشد، روانشناسی، گروه روانشناسی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه اردکان، اردکان، ایران.

۲. دانشیار، گروه مشاوره، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه اردکان، اردکان، ایران. نویسنده مسئول: y.rezapour@ardakan.ac.ir

۳. استادیار، گروه روانشناسی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه اردکان، اردکان، ایران.

۴. دانشجوی دکتری، گروه روانشناسی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه اردکان، اردکان، ایران.

اطلاعات مقاله	چکیده
تاریخ‌ها: دریافت: ۱۴۰۴/۰۱/۱۷ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۰۸	اتیسم یکی از فراگیرترین اختلال‌های رشدی-عصبی است که می‌تواند آثار مخربی را بر روی بیماران و مراقبین آن‌ها ایجاد کند. زمانی که فرزندی با این اختلال شناسایی می‌شود، عوارض و آسیب‌های بی‌شماری بر مراقبین به ویژه مادر آن‌ها برجای خواهد گذاشت و پذیرش فرزند را با مشکل مواجه خواهد کرد. در این میان مادرانی هستند که فرزند خود را با چنین شرایط دشواری پذیرفته‌اند و تعهد خود نسبت به آن‌ها را حفظ کرده‌اند. طرح پژوهشی حاضر، کیفی از نوع پدیدارشناسی، با روش تحلیل مضمون است. به همین منظور هدف از پژوهش حاضر، بررسی کیفی جهان بینی در مادران دارای فرزند اتیسم برخوردار از پذیرش بالا بود. برای جمع‌آوری اطلاعات از مصاحبه نیمه ساختار یافته بر روی ۹ نفر از مادران دارای فرزند اتیسم استفاده شد. این مادران به روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند و نمونه‌گیری تا جایی ادامه پیدا کرد که پاسخ‌های آن‌ها به اصطلاح به حالت اشباع رسید. یافته‌ها نشان داد که جهان بینی در مادران شرکت کننده در پژوهش شامل سه بعد دنیای متناهی، زندگی نامتناهی و اضطراب مرگ می‌باشد. افراد با نوع جهان بینی خود با مفاهیمی نظیر ترس از آینده، گذرا بودن دنیا و آماده شدن برای مرگ رو به رو شده و بر نگرش مادران کودکان اتیسم در نحوه پذیرش کودکانشان اثرگذار می‌گذارد.
واژگان کلیدی: اتیسم پذیرش و تعهد جهان بینی وجودگرایی	

استناد: محمدی مزرعی، ابتسام، رضا پور میر صالح، یاسر، آریانپور، حمیدرضا، دافعیان، فاطمه (۱۴۰۴). مقابله معنوی و چالش وجودی در مادران دارای فرزند اتیسم: درکی کیفی از جهان بینی پذیرش بالا. *روانشناسی فرهنگی*، ۹(۱). ۱۴۷-۱۶۴.

<https://doi.org/10.30487/jcp.2026.460570.1691>



Spiritual and Challenging Coping in Mothers of Autistic Children: A Qualitative Understanding of a High Acceptance Worldview

Ebtesam Mohammadi Mazraei¹, Yasser Rezapour Mirsaleh² , Hamidreza Aryanpour³ , Fatemeh Dafeian⁴

1. M.A. in Psychology, Department of Psychology, Faculty of Humanities and Social Sciences, University of Ardakan, Ardakan, Iran.
2. Associate Professor, Department of Counseling, Faculty of Humanities and Social Sciences, University of Ardakan, Ardakan, Iran. Corresponding author: y.rezapour@ardakan.ac.ir
3. Assistant Professor, Department of Psychology, Faculty of Humanities and Social Sciences, University of Ardakan, Ardakan, Iran.
4. Ph.D. Candidate, Department of Psychology, Faculty of Humanities and Social Sciences, University of Ardakan, Ardakan, Iran.

Article Info

History

Received: April 06, 2025

Accepted: August 30, 2025

Keywords

Autism

Acceptance and

Commitment

Worldview

Existentialism

Abstract

Autism is one of the most pervasive neurodevelopmental disorders, significantly impacting both patients and their caregivers. When a child is diagnosed with autism, it can lead to numerous challenges and emotional struggles for caregivers, particularly mothers, making it difficult to accept the child's condition. However, some mothers manage to accept their children with these challenging conditions and remain committed to their care. This research is a qualitative phenomenological study using thematic analysis to investigate the worldview of mothers who exhibit high acceptance of their autistic children. Data was collected through semi-structured interviews with nine mothers of autistic children. These mothers were selected through purposeful sampling, and the sampling continued until the responses reached saturation. The findings revealed that the worldview of the participating mothers encompasses three dimensions: a finite world, infinite life, and death anxiety. This type of worldview involves grappling with concepts such as fear of the future, the transience of life, and preparation for death. These factors significantly influence how these mothers accept and adapt to their children's condition.

Citation: Mohammadi Mazraei, E., Rezapour Mirsaleh, Y., Aryanpour, H., & Dafeian, F. (2025). Spiritual and Challenging Coping in Mothers of Autistic Children: A Qualitative Understanding of a High Acceptance Worldview. *Cultural Psychology*, 9(1), 147-164.

<https://doi.org/10.30487/jcp.2026.460570.1691>

© 2025 Authors, Cultural Psychology.

Publisher: Organization for Researching and Composing University Textbooks in the Humanities (SAMT).

مقدمه

اختلال طیف اوتیسم، اختلال عصبی-رشدی است که دارای ویژگی‌های مشخصی چون نقص در ارتباطات اجتماعی و رفتارهای محدود و تکراری است (Okay et al. 2021). علائم اختلال طیف اوتیسم در سال‌های اولیه رشد و قبل از سه‌سالگی شناسایی می‌شود (Hassen et al. 2020). شدت این نشانگان می‌تواند از خفیف که در آن فرد توانمندی هوشی بالایی دارد تا شدید که در آن عقب‌ماندگی ذهنی و فقدان گفتار رخ می‌دهد، متفاوت باشد (Xiao et al. 2020). کودکان مبتلا به این اختلال اغلب علاقه شدید و منحصر به فردی نسبت به طیف محدودی از فعالیت‌ها نشان می‌دهند؛ در مقابل تغییر مقاومت می‌کنند؛ و حساسیت پاسخ‌دهی مناسبی نسبت به محیط اجتماعی نشان نمی‌دهند (Holden et al. 2020). اختلالات طیف اوتیسم دربرگیرنده از هم‌پاشیدگی‌هایی است که از سال‌های نخستین زندگی تا حداکثر شش‌سالگی بروز می‌کند و با تخریب پایدار در تعامل اجتماعی متقابل، انحراف ارتباطی و الگوهای رفتاری کلیشه‌ای محدود، مشخص می‌شود (Chung & Woo Son, 2020).

خانواده محیطی است که رفتارهای اعضای خانواده بر یکدیگر تأثیر دارد، به دنیا آوردن فرزند، به خودی خود تغییراتی در ساختار خانواده ایجاد می‌کند و مسئولیت‌های جدیدی با خود به همراه می‌آورد و تولد کودک با اختلال اوتیسم می‌تواند تمام جنبه‌های کارکردی خانواده را متأثر کند (Jassim, Baron-Cohen, Suckling, 2021). والدین کودکان اوتیسم با چالش‌های فراوانی مواجه هستند که این امر آن‌ها را در معرض تنش‌ها و ویژگی‌های روانشناختی منفی زیادی قرار می‌دهد. والدین کودکان اوتیسم از هنگامی که متوجه مشکل فرزند خود می‌شوند، واکنش‌های متعددی را از خود نشان می‌دهند که از ناامیدی و انکار گرفته تا مواجهه منطقی با مسئله و تصمیم گرفتن به کمک و یاری رساندن به فرزندشان را شامل می‌شود (Park et al. 2021). اختلال طیف اوتیسم در کودکان، معمولاً واکنش‌هایی از قبیل اضطراب، سردرگمی و نگرانی برای مادران به همراه دارد، این موضوع مدت‌ها مادران را در حالت ناامیدی، درماندگی و بلاتکلیفی قرار خواهد داد (Sato et al. 2022).

پذیرش یک راهبرد مقابله‌ای مؤثر برای مادران دارای فرزند اوتیسم به شمار می‌رود (Caletti et al. 2022). پذیرش شرایط موجود و کنار آمدن با آن نقش مهمی در افزایش سلامت روان این والدین دارد. در واقع، پذیرش در ACT، این‌گونه تعریف می‌شود: «در یافتن یک رویداد یا موقعیت و ترک و رها کردن برنامه کنترل نشانه‌های ناکارآمد و یک فرآیند فعال احساس کردن احساسات به عنوان احساسات، فکر کردن به افکار به عنوان افکار و ...» (Graaf et al. 2021). در پذیرش به طور مستقیم قوانینی که فرد، مشکل را نمی‌تواند تجربه کند و مراحلی که باید آن را کاهش دهد را پیگیری می‌کند (Rickardsson et al. 2021). پذیرش هنگامی رخ می‌دهد که هیجانات در احاطه آگاهی بوده و همان‌گونه که هستند تجربه می‌شوند، بدون آنکه تلاش برای تغییر فراوانی یا شکل آنها صورت پذیرد (Zhao et al. 2020). در درمان مبتنی بر پذیرش و تعهد سودمندی و کارکرد تجربیات روانشناختی مانند افکار، احساسات، خاطرات و عواطف روانشناختی را مورد هدف قرار می‌گیرد و فعالیت‌های معنادار زندگی بدون توجه به آن‌ها دنبال می‌شود. در واقع فرد آنچه خارج از کنترل شخصی‌اش است را بپذیرد و به عملی که زندگی‌اش را غنی می‌سازد، متعهد باشد (Xu, O'Brien & Chen, 2020).

نکته مهمی که حائز اهمیت است بررسی عوامل اصلی در ایجاد پذیرش و تعهد می‌باشد. به چه دلیل فردی از پذیرش و تعهد بیشتری نسبت به فرد دیگر برخوردار است؟ چه چیزی موجب پذیرش و تعهد افراد در مقابل وقایع تلخ زندگی می‌شود؟ پذیرش و تعهد از کجا نشأت می‌گیرد؟ یکی از عواملی که مستقیماً در پذیرش یک حادثه در زندگی نقش دارد، نوع نگاه فرد به زندگی یا همان جهان‌بینی او است. جهان‌بینی نگرش کلی انسان به هستی و خویش است که پاسخگوی سؤال‌های اساسی وی نیز هست؛ این پرسش‌ها شامل جهان و چگونگی پدید آمدن آن تا جایگاه موجودات و چگونگی هست شدن آن‌ها و به ویژه نگاه به انسان و جایگاه او در هستی، تا تشریح جهان بعد از مرگ و در نهایت نگاه به پایان هستی است (افکاری، ۱۳۹۹).

هر فرد در ذهن خود مجموعه ساخت‌های پنهانی دارد که به صورت منظم و مشخص در باورها، ارزش‌ها، آگاهی‌ها، سنت‌ها و عادات طبقه بندی شده‌اند. به طور کلی زیرمجموعه‌های فکری که مربوط به یک اندیشه است، جهان‌بینی افراد را نشان می‌دهد (Kourti, 2021)؛ برای مثال، مفهوم جهان‌بینی در فلسفه در پی آن است که آیا جهان پدیده‌ای تصادفی است یا نظام علیت بر آن حاکم است، و اگر اینگونه است از چه نوع قوانین پیروی می‌کند؟ آیا جهان هدفی دارد؟ آیا جهان متناهی است یا نامتناهی؟ اگر بلی، انسان در جهان‌بین خود با زندگی پس از مرگ چه مواجه‌ای دارد؟ (افکاری، ۱۳۹۹).

می‌توان گفت پذیرش، هسته مرکزی درمان اکت است و زمینه دستیابی به یک زندگی مطلوب، مسلط‌ترم شناسایی دقیق جنبه‌های قابل تغییر و غیرقابل تغییر زندگی هستی‌شناختی افراد است. هنگامی که فرد از تلاش بی‌ثمر برای مبارزه یا فرار از جنبه‌های نامطلوب و اجتناب‌ناپذیر زندگی دست برمی‌دارد، مسیر برای ایجاد تغییر بنیادی در امور قابل تغییر هموار می‌گردد و این نگرش، همسویی عمیقی با جهان‌بینی فرد و دیدگاه اسلام دارد (احمدیان و طهرانچی، ۱۴۰۴). همچنین می‌توان گفت در منظومه فکری اسلام، رنج‌ها و سختی‌ها بسته به عوامل مختلف، دارای فلسفه و دلیل وجودی خاصی هستند. دسته‌ای از رنج‌ها، پیامد مستقیم اشتباهات و تصمیمات نادرست انسان است که با اصلاح رفتار، قابل رفع می‌باشند. دسته‌ای دیگر از مصائب، به عنوان کفاره گناهان عمل می‌کنند و آثار معنوی منفی آن‌ها را از روح و روان انسان می‌زداید (محدثی، ۱۳۸۸). پذیرش نیز در دیدگاه اکت، به منظور غلبه بر محدودیت‌های وجودی افراد تعریف شده و با هدف افزایش انعطاف‌پذیری روانشناختی ایجاد می‌گردد (Wilms, 2016). اما با توجه به اهمیت مضامین وجودی در ارتقای مفهوم پذیرش در مادران کودکان ایتسم، این درمان با درک رنج به عنوان بخشی از وجود انسان، جهان‌بینی مادر را در پذیرش رنج‌ها تغییر داد می‌دهد، چراکه یکی از مفاهیم اصلی درمان اکت، شناسایی ارزش‌ها به عنوان جهان‌بینی است. ارزش‌هایی که به صورت آگاهانه و هدفمند از سوی فرد انتخاب می‌شوند، از ثبات نسبی در جهان‌بینی او برخوردار بوده و زمانی که فرد مطابق با ارزش‌های خود عمل می‌کند، می‌تواند توانمندی خود را در برابر حل مشکلات نیز ارتقا دهد (Hayes et al. 2006).

جهان‌بینی بشر در دوران طفولیت، آغاز می‌شود و هر روزی چیزی با آرایش به آن افزوده می‌شود یا به پیرایش از آن کاسته می‌شود و الهام‌بخش رفتارهای فردی، اجتماعی، افکار، اندیشه‌ها و آرزوهای او می‌شود. اگر انسان و خدا را در مجموعه جهان مندرج بدانیم، یک جهان‌بینی کامل و همه‌گیر، عبارت است از شناختی از: خود، طبیعت و خدا (سید قطب، ۱۳۶۹). تحقیقات به نوع جهان‌بینی والدین کودکان ایتسم در مواجهه با مسائل این کودکان پرداخته است. جهان‌بینی بر اساس شناخت و برداشتی که از جهان هستی برای فرد فراهم می‌کند، برنامه‌ای متناسب با شرایط فرد و عوامل دخیل در آن شرایط می‌آورند که مسیر زندگی آنان را برای رسیدن به هدف هموار می‌کند و مسیر مشخصی در برابر انسان قرار می‌دهد تا با کمک استدلال‌ها و اندیشه‌هایی که این جهان‌بینی را کسب کرده، راه را آهسته و پیوسته تا رسیدن به خوش‌بختی بپیماید (Prior & Renaud, 2020). نوع جهان‌بینی افراد تأثیراتی بر نحوه ادراک آن‌ها از سختی و خوشی دارد که عبارتند از: ۱. صرفاً به مسائل نگاهی شناختی نداشته باشد، بلکه به مسائل با دیدی زیبایی‌شناختی یعنی آمیخته بودن هر مسئله به خوشایندی/ ناخوشایندی نگاه کنند، ۲. ماهیت دوگانه به مسائل داشته باشند یعنی ادراکات حسی-خیالی شامل تصاویر، خاطرات و معنایی در قالب تصاویر چندبعدی داشته باشند تا بتوانند ابعاد دیگر یک مسئله را نیز نظاره کنند و ۳. به آثار مادی و اخروی ولی معنادار همراه با آن رویداد توجه داشته باشند. به همین دلیل است که نوع جهان‌بینی بر ادراکات آن‌ها اثر داشته و ادراکات افراد معمولاً در رفتار، بدن و روابط بین فردی و حتی تولیدات مصنوعی به نحوی معناداری ظهور و بروز پیدا می‌کند (علم‌الهدی، ۱۳۹۹).

یا وجود اهمیت و ضرورت پذیرش فرزند و شناسایی چگونگی پذیرش در زندگی مادران کودکان مبتلا به ایتسم، تاکنون پژوهش‌های بسیار محدودی عوامل مؤثر بر پذیرش فرزند از سوی مادران را بررسی کرده‌اند. بیشتر پژوهش‌های انجام‌شده در این زمینه به صورت کمی اثربخشی مداخلات مرسوم پذیرش و تعهد را بررسی کرده‌اند، در حالی که پذیرش و تعهد در این مادران ممکن است نسبت به افراد دیگر متفاوت باشد. از طرفی دیگر، مطالعات کمی از بررسی

عمیق این پدیده ناتوان هستند و مطالعات کیفی می‌توانند این فرایند را به شکل بهتری بررسی کنند؛ بنابراین این پژوهش با هدف بررسی کیفی جهان‌بینی در مادران دارای فرزند اوتیسم برخوردار از پذیرش بالا، انجام شده است.

روش

هدف از پژوهش حاضر، مقابله معنوی و چالش وجودی در مادران دارای فرزند اوتیسم با درکی کیفی از جهان‌بینی پذیرش بالا بود. روش پژوهش کیفی و از نوع پدیدارشناسی توصیفی با کمک روش هفت مرحله‌ای کلایزی بود. مرکز پژوهش بر روی مادران دارای کودک اوتیسم بود که با استفاده از شیوه نمونه‌گیری هدفمند و برآورده ساختن ملاک‌های ورود یعنی بالا بودن سطح پذیرش بر اساس میانگین مقیاس پذیرش و عمل (Bond et al. 2011) (نمره بیشتر از ۳۵) و حداقل سطح تحصیلات دیپلم و همچنین ملاک‌های خروج یعنی داشتن سابقه بیماری روان‌شناختی-جسمانی خاص و داشتن بیش از ۱ فرزند دارای اوتیسم، انتخاب شدند. سطح تحصیلات به این دلیل حداقل دیپلم در نظر گرفته شد که اطمینان حاصل کنیم مادران برای پاسخگویی به سؤالات درک مناسبی دارند. تعداد شرکت کنندگان از قبل مشخص نبود و ملاک انتخاب تعداد افراد نمونه نیز به دست آمدن حداکثر محتوای کیفی یا به اصطلاح به اشباع رسیدن مصاحبه‌ها بود. یعنی حالتی که پژوهشگر تشخیص می‌دهد با ادامه مصاحبه قرار نیست به بار اطلاعات موجود اضافه شود و گردآوری داده‌های جدید نمی‌تواند اطلاعات تازه‌تری جهت تدوین مقوله‌ها به دست دهد (بازرگان، ۱۳۹۸). جهت محفوظ ماندن مشخصات آزمودنی‌ها، از کد استفاده شد. مطالعات پدیدارشناسی با هدف کاوش پدیده‌ها بوده و مقاومت یا گشودگی پاسخ‌دهندگان تأثیری در کشف پدیده‌ها ندارد و مصاحبه‌ها تا زمانی که به حد اشباع برسد و پدیده جدیدی کشف نشود ادامه می‌یابد. پژوهش حاضر نیز با تعداد ۹ شرکت‌کننده، مصاحبه به اشباع رسید. براساس شیوه کدگذاری هفت مرحله‌ای کلایزی (Colaizzi's Seven-Step)، داده‌های به‌دست آمده از مصاحبه، از طریق کدگذاری^۱ مورد تحلیل قرار گرفتند. کدگذاری فرایندی پویا و سیال و یکی از مهم‌ترین روش‌های تحلیل داده‌های کیفی است که در طی آن از بین انبوه اطلاعات جمع‌آوری شده، با توجه به موضوع پژوهش، مرتبط‌ترین و مهم‌ترین مطالب و جملات، استخراج و مفهوم‌گذاری شده و به صورت کد یا رمز ذخیره می‌شوند (Strauss & Corbin, 1990). همچنین جهت اعتبارسنجی کدگذاری پژوهش حاضر، رونوشت مصاحبه و گزارش پژوهش توسط شرکت‌کنندگان جهت سنجش موافقت یا مخالفت آن‌ها با یافته‌های پژوهش چک شد و سؤالات پژوهش و محتوای استخراج شده از مصاحبه‌ها توسط متخصصان آگاه در حوزه پژوهش مورد نظر (۲ روانشناس بالینی، ۳ متخصص روانشناسی کودک با نیاز خاص، ۲ متخصص پژوهش کیفی و ۱ متخصص گروه معارف و ادیان) مورد بازنگری و ارزیابی قرار گرفت که به نحوی قابلیت اعتبار پژوهش را به عنوان جایگزینی برای مفهوم‌روایی درونی نشان می‌دهد. همچنین پژوهشگر با مشورت اساتید آگاه به بازمینی مجدد فرایند دنبال شده و بررسی صحت و قابل فهم بودن آن پرداخت که به نحوی قابلیت اطمینان پژوهش را به عنوان جایگزینی برای مفهوم پایایی نشان می‌دهد.

جمع‌آوری داده‌ها

برای جمع‌آوری داده‌ها و تعیین جهان‌بینی در مادران فرزند اوتیسم با پذیرش بالا، مصاحبه نیمه‌ساختار یافته به مدت ۴۵ دقیقه برای هر یک از شرکت‌کنندگان انجام شد. باید بیان نمود به دلیل افزایش دقت پژوهش در انجام مصاحبه‌ها، مصاحبه‌شوندگان به کلینیک توانبخشی اوتیسم شهرستان آبادان دعوت شده و پس از کسب رضایت کتبی از آن‌ها، مصاحبه‌ها به صورت حضوری در فضای امن اتاق درمانی انجام گرفت. همچنین با کسب رضایت از آن‌ها محتوای گفتگو ضبط گردید تا بتوان بعد از انجام مصاحبه‌ها، از محتوای ضبط شده به منظور تکمیل اطلاعات، جهت استخراج کدها، مفاهیم و مؤلفه‌ها استفاده نمود. با در نظر گرفتن هدف کلی پژوهش و ابعاد مختلف جهان‌بینی، سؤالاتی طراحی شدند که دربرگیرنده جنبه‌های مختلف جهان‌بینی بودند

و با جمع‌بندی نظرات کارشناس آگاه به موضوع، برای اطمینان از روایی محتوایی ۱۲ سؤال برای انجام مصاحبه انتخاب شد. مصاحبه با سؤالاتی همچون «آیا فرزند خود را با این شرایط پذیرفته‌اید؟، پذیرش و تعهد از نظر شما چیست؟ و چه عواملی باعث پذیرش و تعهد شما نسبت به فرزند بیمارستان شده است؟» برای ارزیابی و درک پذیرش و تعهد مادران آغاز شد و با سؤالات بعدی درباره جهان‌بینی مادران مانند «نگرش شما به زندگی چگونه است؟، آیا جهان‌هدنی دارد؟، از چه نوع قوانینی پیروی می‌کنند؟، به نظر شما دنیا منتهای است یا نامتنهای؟» ادامه یافت. مطالعه پایلوت بر روی ۳ نفر انجام گرفت و با بازخوردهای آن‌ها برخی سؤالات بازبینی شدند. سؤالات به طور مستقیم و غیرمستقیم ابعاد جهان‌بینی مادران را مورد بررسی قرار داد. به دلیل اینکه مصاحبه حاضر از نوع مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته بود، مصاحبه‌گر بعد از هر سؤال، با توجه به بافت موضوعات مطرح‌شده، سؤالات پیگیری را برای بررسی عمیق‌تر مطرح می‌کرد. برای محفوظ ماندن مشخصات آزمودنی‌ها، از نام‌های مستعار استفاده شد. پس از آنکه پاسخ آزمودنی‌ها در مصاحبه‌ها تکراری شد و به اصطلاح به حد اشباع رسید، به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها حاصل از مصاحبه‌ها از روش تحلیل مضمون برای استخراج مقوله‌ها استفاده شد.

در پژوهش حاضر تمام مصاحبه‌ها و تعاملات به دقت ثبت و بارها مرور شدند. نسبت روایی محتوایی برای محاسبه حداقل مقدار قابل قبول بر اساس تعداد متخصصان به منظور مصاحبه بدون ساختار ارزیابی شد. برای محاسبه نسبت روایی محتوایی از ۸ کارشناس آگاه به موضوع استفاده شد و مقدار آمار به‌دست آمده در این افراد بیش از ۰/۷۵ بود که با توجه به این تعداد، مطلوب تلقی می‌شود.

شیوه تجزیه و تحلیل داده‌ها

در تحلیل محتوا کدهای مشخصی وجود داشت و بر مبنای آن کدها مصاحبه‌ها را کدگذاری کرده و فراوانی هر یک از کدها مشخص شد و کدها کشف و نامگذاری می‌شوند. نظریه زمینه‌ای برای شکل‌دهی سازه‌هایی به کار می‌رود که در زمینه داده‌ها وجود دارند، نه در دیدگاه ازپیش‌تعیین‌شده محقق. براساس نظر Strauss & Corbin (1990) از شیوه کدگذاری باز استفاده شد، که در آن هر واژه، عبارت یا جمله معنی‌دار به عنوان کدها تعیین می‌شوند. بعد از کدگذاری اولیه، کدهای مشابه (مقوله‌ها) به طور اولیه گروه‌بندی شدند و به آنها نام‌های مفهومی اطلاق شد. در مرحله دوم (کدگذاری محوری) ارتباط بین مقوله‌ها و زیرمقوله‌ها مشخص شد و چارچوب بیشتری به آنها داده شد. به این صورت که فهرست اصلی موضوعات تکرار شده، به شیوه‌های زیر جمع‌بندی و خلاصه شدند: الف) حذف موضوعات دارای اهمیت کمتر و کمتر متداول، ب) ترکیب موضوعات شبیه به هم برای کاهش آنها به تعدادهای قابل کنترل بیشتر. بعد از این مرحله مجدداً متن مصاحبه‌ها مرور شد، تا مشخص گردد که آنها حاوی اطلاعات کافی برای حمایت از هر موضوع تعیین شده یا نشده‌اند. در نتیجه بعضی از موضوعات حذف شدند یا مورد بازبینی قرار گرفتند. مرحله آخر کدگذاری انتخابی بود. در کدگذاری انتخابی مقوله‌های مختلف با هم یکپارچه شده و پیرامون یک مفهوم توصیفی محوری تلفیق می‌شوند. در نهایت، برای ابطال یافته‌های به‌دست آمده مقوله‌ها مورد ارزیابی قرار گرفتند. این فرآیند شامل تلاش برای ابطال نتیجه‌گیری‌های اولیه است تا اینکه مشخص شود، آنها در یافته‌های نهایی نگه داشته شوند یا خیر. این کار برای ارزیابی روایی یافته‌ها انجام می‌شود (Strauss & Corbin, 1990). بعد از کدگذاری و تلاش برای ابطال، یک الگوی مفهومی ارائه شد، که رابطه بین موضوعات عمده در یافته‌ها را نشان می‌داد.

یافته‌ها

در این پژوهش، سه شیوه کدگذاری استفاده شده که شامل کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی بود. ابتدا قبل از تحلیل مصاحبه‌ها به ارائه ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مصاحبه‌شوندگان در جدول ۱ می‌پردازیم:

جدول ۱ ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مادران دارای فرزند مبتلا به اتیسم

کد	سن	سن همسر	تحصیلات	تعداد فرزندان	سن فرزند مبتلا به اتیسم
۱	۴۲	۴۴	کارشناسی ارشد جغرافیا	۱	۴ سال
۲	۳۳	۳۷	دیپلم	۲	۹ سال
۳	۴۳	۴۵	کارشناسی روانشناسی	۲	۶ سال
۴	۳۱	۳۵	دیپلم	۲	۱۰ سال
۵	۳۸	۴۱	دیپلم	۳	۸ سال
۶	۴۵	۴۵	فوق دیپلم	۲	۷ سال
۷	۴۷	۵۰	کارشناسی حقوق	۱	۱۲ سال
۸	۴۱	۴۴	کارشناسی معماری	۲	۸ سال
۹	۳۳	۴۶	دیپلم	۲	۵ سال

از یافته‌های حاصل از مطالعه کیفی جهان‌بینی مادران کودکان اتیسم با پذیرش بالا، سه مقوله فرعی و ۱۴ مفهوم استخراج شد که در جدول ۲ نشان داده شده است:

جدول ۲ مفاهیم و مقوله‌های حاصل از ابعاد جهان‌بینی مادران دارای فرزند اتیسم برخوردار از پذیرش بالا

مفهوم	مقوله فرعی	مقوله هسته
فناپذیری دنیا، دنیا محل گذر، تمام نشدن طمع‌ورزی دنیا، وجود رنج در زندگی پذیرش مرگ، زندگی حقیقی پس از مرگ، فراتر دیدن دنیای پس از مرگ، بازخورد گرفتن از اعمال و رفتار، آمادگی برای مرگ، مرگ به عنوان نیروی شفابخش، مرگ به عنوان آرامش ابدی ترس از مرگ، نگرانی از آینده، احساس گناه	دنای منتهای	جهان‌بینی
	زندگی نامتهای	
	اضطراب مرگ	

بر اساس نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش، جهان‌بینی مادران دارای کودکان اتیسم با پذیرش بالا، شامل سه مقوله فرعی را نشان می‌داد به همراه ویژگی‌های مطرح شده در بیانات آن‌ها در این مقوله هسته جای گرفته است. این سه مقوله فرعی بود به همراه مفاهیم استخراج شده عبارت‌اند از:

۱. دنیای منتهای

جهان کنونی که در آن زندگی می‌کنیم، رو به زوال و نابودی می‌رود و انتهای دارد که شکی در آن نیست و در همه ادیان الهی یا غیر الهی مباحثی در این زمینه مطرح شده است با نگاهی به مجموعه آیات قرآن درمی‌یابیم که قرآن زوال و نیستی جهان کنونی را مترادف با نیستی محض آن نمی‌داند بلکه آن را در بخشی از یک فرآیند قراردادده که به مفهومی پایانی برای آن متصور نیست. به این معنا که نیستی و زوال دنیا و جهان مادی کنونی برای تبدیل شدن به جهانی نو با شکل و شمایل و ماهیتی دیگر می‌باشد. تبدیل جهان مادی به جهانی دیگر نیازمند فروپاشی این دنیای مادی است که قرآن از آن به «یوم تبدل الارض غیر الارض والسموات» تعبیر می‌کند. این مقوله دربردارنده مفاهیمی به عبارت زیر است:

(۱-۱) فناپذیری دنیا: اگر انسان درک کند که برنامه مرگ و حیات ذات طبیعت است، جهان مادی روزی از بین خواهد و کل نظام طبیعت در سیری کمالی و به سوی هدفی معین در حرکتند باعث می‌شود زندگی دنیا را کالایی ناچیز دانسته و با پذیرش شرایط موجود، از امکاناتش حداکثر استفاده را کند و باعث کنار آمدن بهتر با سختی‌ها خواهد شد. به

عنوان مثال شرکت کننده شماره ۲ بیان کرد: «می‌دونی عزیزم به نظرم این دنیا کوچیک‌تر از اونیه که بتونه خواسته‌های انسان رو برآورده کنه، آدم هرچه بزرگ‌تر میشه میفهمه خیلی از چیزای این دنیا زودگذره و اصلاً ارزش دوییدن نداره». همچنین شرکت کننده شماره ۷ بیان نمود: «آدم هرچه بزرگ‌تر می‌شه خواسته‌هاش نسبت به این دنیا کمتر می‌شه، مثلاً بچه‌های من تو کودکی تمام دنیاشون خرید وسایل و اسباب‌بازی بود اما وقتی مقایسه می‌کنم، میبینم برای من چقدر چیزای این دنیا و این خواسته‌های مادی می‌تونه پوچ باشه و بی‌ارزش. بیشتر دوست دارم ارتباطمو با خدام قوی کنم تا رسیدن به خواسته‌های خودم». شرکت کننده شماره ۸ نیز بیان نمود: «این زندگی امتحانه و ابدیت نداره، دنیا یک چیز فانیه».

۱-۲) دنیا محل گذر: دانستن آنکه زندگی دنیا مقدمه‌ای برای زندگی آخرت است و دنیا راهی است که ما را به آخرت می‌رساند، باعث می‌شود که انسان دنیا را محلی موقتی و گذرگاهی برای رسیدن به اهداف اولاً و ارزشمند بداند. بنابراین مادران اتیسم با دریافت گذرا بودند دنیا، شرایط سخت فرزندان را بهتر کرد کرده و آن را پلی برای شد و تعالی خود می‌دانند. برای مثال مادر شماره ۱ بیان نمود: «تازگی‌ها بخصوصاً از وقتی که تشخیص داده شد بچه‌ام اتیسم داره، با اینکه رنج و دردهام بیشتر شده، اما تو کلم به خدا هم بشتر شده، با خودم می‌گم باشد خدا منو دوست داشته که با وجود این بچه بتونم بیشتر بهش نزدیک بشم، آخه شنیدم هرکی خدا بیشتر دوستش داشته باشه، سختی‌های بیشتری بهش می‌ده تا بهش نزدیک‌تر بشه و من اینو تو خودم حس کردم». شرکت کننده شماره ۷ نیز بیان نمود: «باید خودم رو مثل یک مسافر در دنیا بدونم، همونطور که اجداد ما و قبل از ما رفته‌اند، ما هم می‌رم».

۱-۳) تمام نشدن طمع‌ورزی دنیا: انسان با درک آنکه تمایل سیری ناپذیر به حرص بودن و طمع‌ورزی باعث اقبال بیشتر او به دنیا می‌شود، در می‌یابد که حرص و ورزی در نهایت باعث دوری از خدا و حس پوچی در او خواهد شد؛ برای نمونه، شرکت کننده شماره ۱ گفت: «وقتی ما حرص و طمع داریم یعنی خودمون و خدای خودمون رو نشناخته‌ایم، یه جورایی وابستگی بیش از حد به دنیا باعث شده خیلی مهم بینیمنش و خواسته‌هامون نسبت بهش هیچ زمان تموم نشه» و شرکت کننده شماره ۲ گفت: «بعضی وقت‌ها حس می‌کنم دنیا خیلی پوچ و بی‌ارزش شده که مردم الکی بهش وابسته‌ان و دارن عمرشون رو تلف می‌کنن، گاهی اوقات فکر می‌کنم اصلاً این دنیا ارزشش رو داره که اینقد داریم دنیالش می‌دویم». شرکت کننده شماره ۷ نیز بیان نمود: «متأسفانه مردم فکر می‌کنند تمام زندگیشان این دنیاست. دنیا سیری ندارد فقط حرص و طمع‌ها بیشتر می‌شود». این دریافت باعث می‌شوند که انسان شرایط خود را بهتر پذیرفته و از طمع‌ورزی افراطی پرهیز کند.

۱-۴) وجود رنج در زندگی: اگر انسان دریابد که سختی‌های زندگی و مشکلات، بخشی از زندگی هستند و خداوند در قرآن فرموده است: «لقد خلقنا الإنسان فی کبد» (بلد، ۴) انسان در رنج و سختی آفریده شده است و همین سختی‌هاست که موجب تربیت و انسان‌سازی می‌شود، می‌تواند تحمل و تاب‌آوری بیشتری در برابر مشکلات خود داشته باشد به عنوان نمونه شرکت کننده شماره ۳ می‌گفت: «کلاً زندگی سخت هست اگر بخواهیم سخت بگیریم سخت‌تر هم می‌شه. من اوایل که تشخیص اتیسم برای بچه‌ام گذاشته شد، احساس کردم همه چیزمو باختم، اما الان که خودمو با یه سری از افراد مقایسه می‌کنم، میبینم، چه بسا رنج‌های یه سری از افراد از منم سخت‌تره، مثلاً حداقل شوهر من در آمدش اونقدری هست که بتونیم از پس خرج و مخارج درمان بچه‌ام بریایم، اما یه سری همین هم ندارن». شرکت کننده شماره ۴ نیز می‌گفت: «همه تو زندگیشون سختی دارن، کیه که سختی نداشته باشه؟. به نظرم این سختی‌ها یه جاهایی باعث می‌شه من مادر بخته‌تر بشم». همچنین شرکت کننده شماره ۱ بیان نمود: «از این دنیا خیلی خوشم نیامد، چون مشکلات زیاد دیدم. در دنیا از صبح تا شب سختی و کار و دوندگیه، لذت و راحتی و خوشی در این دنیا نیست».

۲. زندگی نامتناهی

همیشگی بودن آخرت چیزی است که نمی‌توان آن را با عدد نشان داد و فقط علامت نامتناهی می‌تواند نشانگر آن باشد و به این معناست که عمر آخرت هیچ حد و مرزی ندارد و هیچ وقت تمام نمی‌شود. قرآن کریم در یکی از استدلال‌های

خود، پایداری سرای اخروی و نعیم آن را به طور ویژه، مورد تصریح قرار داده است. «وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ وَأَبْقَى» (سوره اعلی، آیه ۱۷) «در حالی که آخرت بهتر و پایدارتر است». «بقا» مقابل مفهوم «فنا»، به معنای ادامه یافتن، ثابت و پابرجا ماندن است و دلالت بر دوام و خلود دارد. مقوله زندگی نامتناهی در بردارنده مفاهیمی به عبارت زیر است:

۱-۲) پذیرش مرگ: با توجه به مصاحبه‌های صورت گرفته، مادران مرگ را حقیقتی غیر قابل انکاری دانسته و به عنوان یک واقعیت قبول داشتند. اگر بخواهیم به صورت معنی دار به زندگی فکر کنیم، فکر کردن به مرگ ضروری است. به عنوان نمونه شرکت کننده شماره ۵ گفت: «مرگ حقه، همان طور که غذا خوردن و به دنیا اومدن حقه. خودمون به دنیا نیومدیم که بدونیم کی از دنیا می‌رویم. دست ما نیست». همچنین شرکت کننده شماره ۳ بیان نمود: «گاهی وقتا که فکر می‌کنم، میبینم آخرش مرگه، پس بهتره من از همین داشته‌ها و همین مدتی که خدا بهم لطف کرده و زنده‌ام نگه داشته، بتونم نهایت استفاده رو در رابطه با بچه‌ام به کار ببرم». همچنین شرکت کننده شماره ۵ بیان نمود: «مرگ حقیقتیه که وجود داره و نمی‌تونیم منکرش شیم، هم تو قرآن و احادیث اومده و هم در زندگی روزمره آن رو می‌بینیم و قابل انکار نیست».

۲-۲) زندگی حقیقی پس از مرگ: مادران کودکان اوتیسم با دریافت آنکه حقیقت و اصل زندگی جایی است که پایان ندارد، زوال نمی‌پذیرد و همیشه ماندگار است توانسته بودند با شرایط دشوار خود در رابطه با فرزندان‌شان به پذیرش بهتری برسند. به عنوان نمونه شرکت کننده شماره ۲ گفت: «زندگی اصلی ما دنیای دیگه‌ست اما کسی به فکرش نیستم». همچنین شرکت کننده شماره ۴ بیان نمود: «وقتی انسان به رابطه‌اش با خدا فکر می‌کنه، بیسینه اصل جای دیگه‌ست. اینکه آخرش ما می‌میریم، و توی دنیای دیگه خدا رو ملاقات می‌کنیم، می‌تونه بهمون تو این دنیا هم انگیزه بده که سعی کنیم بهترین خودمونو به نمایش بذاریم».

۳-۲) فراتر دیدن دنیای پس از مرگ: مادران دریافته بودند که دنیای پس از مرگ جهانی وسیع و بی پایان و نقطه آغاز آینده است که قابل مقایسه با دنیای حاضر نیست، هر آنچه در دنیای فانی هست و محدودیت دارد؛ اما دنیای پس از مرگ گسترده است، محدودیت ندارد بنابراین سختی‌های این دنیا گذرا و موقتی است و روزی به پایان خواهد رسید. به عنوان مثال شرکت کننده شماره ۹ بیان نمود: «اون دنیا هم شبیه به همین دنیاست، حتی وقتی می‌میریم تازه زندگی‌مون شروع میشه، اینکه من چطور آدمی بودم، باعث میشه توی اون دنیا من نتیجه عملمو به خیر و برکت ببینم یا نه».

۴-۲) مرگ به عنوان آرامش ابدی: انسان با پذیرش آنکه دنیا فناپذیر است، سختی در آن وجود دارد و جای راحتی نیست، مرگ را دریچه‌ای به سوی آرامش ابدی می‌داند که نه از بین رفتنی است و نه با رنج و سختی همراه. بنابراین می‌تواند با دشواری‌های زندگی بهتر کنار بیاید؛ به عنوان نمونه، شرکت کننده شماره ۵ بیان نمود: «اصلاً از مرگ نمی‌ترسم خیلی خوبه. آرامش ابدیه. آدم از همه چی راحت می‌شه. موقعی که می‌خوابی چقدر راحت میشی. خواب یک نوع مرگ مقطعی. مرگ هم همین طوره وقتی می‌میره از همه دغدغه‌های زندگی راحت میشه».

۵-۲) بازخورد گرفتن از اعمال و رفتار: هر عملی، عکس العملی دارد و در زندگی دنیوی و اخروی هر چه کرده‌ایم، نتیجه‌اش را می‌بینیم. این نگاه باعث پذیرش بهتر کودکان اوتیسم شده و مادران می‌کوشند نحوه تعامل و رفتار بهتری با آن‌ها داشته باشند. به عنوان نمونه شرکت کننده شماره ۵ بیان کرد: «زندگی کاشتن و برداشتن است دیگران می‌کارند ما برداشت می‌کنیم و ما می‌کاریم و بعد از ما برداشت می‌کنند. یک زمانی پدر و مادر ما برای ما زحمت کشیدند حالا ما باید برای بچه‌هایمان زحمت بکشیم». همچنین شرکت کننده شماره ۶ بیان نمود: «میگن با یه دست میدی از همون دست هم می‌گیری، به کسی محبت کنی خدا چند برابرش بهت محبت میکنه». شرکت کننده شماره ۴ نیز بیان می‌کند: «دنیا انعکاسی از آخرته، همونطور که آنجا حساب و کتاب می‌شیم در همین دنیا هم حساب کتاب می‌شوم و برای هر کاریمون باید جواب پس بدیم، جرمی مرتکب شیم به زندان می‌ریم و ... هر کاری می‌کنیم مقابله به مثل می‌شه. هر آنچه اینجا انجام داده‌ایم آنجا برداشت می‌کنیم با این تفاوت که آنجا دیگر جای بازگشت و توبه نیست».

۲-۶) آمادگی برای مرگ: انسانی که به وقوع معاد اعتقاد داشته باشد، بدانند از اعمال و رفتار او سؤال خواهد شد و در مقابل آن‌ها پاداش و جزا خواهد دید؛ همیشه خود را در حالت آماده باش قرار می‌دهد و با پذیرش شرایطش زندگی کنونی خود را به نحوی انتخاب می‌کند که هر لحظه برای مرگ آمادگی داشته باشد. به عنوان نمونه شرکت‌کننده شماره ۳ گفت: «مرگ مثل خواب است همیشه مرگ را به خودم نزدیک می‌بینم و همیشه آماده‌ام برای مرگ». همچنین شرکت‌کننده شماره ۷ بیان نمود: «مرگ یک سفره از این دنیا به اون دنیا. ما در این دنیا فقط مهمونیم، چطور موقت به خانه کسی می‌ریم. حفظ ادب و احترام می‌کنیم و اخلاق و رفتار خودت رو مرتب می‌کنی تا به خانه خودت برگردی، خانه اصلی و واقعی انسان قبرشه، پس باید مهمون خوبی در این دنیا باشیم».

۲-۷) مرگ به عنوان نیروی شفابخش: افراد با اعتقاد بر اینکه مرگ انگیزی برای ما تأمین می‌کند تا از لحظه کنونی استفاده کنیم و به جای اینکه ترس از مرگ ما را بی‌تحریک کند، مرگ را می‌توان به صورت نیروی مثبتی در نظر بگیریم تا به طور کامل زندگی کنیم؛ منبع نشاطی را برای زندگی فراهم می‌کند که می‌توان شرایط و سختی‌های این دنیا را بهتر پذیرفت. به عنوان نمونه، شرکت‌کننده شماره ۹ بیان نمود: «اعتقاد به مرگ باعث می‌شه طوری زندگی کنیم که خودمونو برای حساب و کتاب آماده کرده باشیم و قبول نداشتن آخرت هم باعث می‌شه، خودمونو به یک خواب خرگوشی بزینم».

۳. اضطراب مرگ

اضطراب مرگ مشتمل بر افکار، ترس‌ها و هیجانات مرتبط با پایان زندگی است که در آن فرد دلهره، نگرانی و یا ترس مرتبط با مرگ و مردن را تجربه می‌کند اگرچه مرگ یک واقعیت است اما گاهی اندیشیدن به مرگ همراه با ترس بوده و تجربه ناخوشایندی برای انسان محسوب می‌شود. سه مفهوم در این مقوله جای دارند که عبارتند از:

۳-۱) ترس از مرگ: در مادران کودکان ایتسم همانند دیگر افراد ترس از مرگ شایع است و بیشتر افراد از مرگ به درجات مختلف می‌ترسند. این ترس تا حدودی می‌تواند نیروی محرکه‌ای باشد که محتاط‌تر باشیم و از فرصت‌ها زندگی به‌نحو احسن استفاده کنیم. به عنوان نمونه شرکت‌کننده شماره ۱ بیان نمود: «یکی از ترس‌ها مثل همه مادرای دیگه اینکه بعد از مرگ چی سر بچه‌ام میاد. اما وقتی که به این فکر می‌کنم که خدای مهربون همینطور که به من توان داده که بتونم برای بچه‌ام یک مادر خوب باشم، مطمئن اون رو رها نمی‌کنم و حتی بعد از مرگ من هم هواشو داره». همچنین شرکت‌کننده شماره ۵ بیان نمود: «هر انسانی از مرگ می‌ترسه، ترس از مرگ عادی‌ه، وقتی امام علی می‌گن من تنم می‌ترسد از پل صراط یک چیزی که ما به آن اعتقاد داریم پل صراطه یا آنکه پیامبر به حضرت فاطمه میگن فکر نکن چون دختر من هستی در آخرت در امانی مواظب خودت باش، پس مرگ هم حق است هم ترس دارد. ائمه و پیامبران علائمی از مرگ گفته‌اند که واقعاً باید از آن ترسید و مواظب خود و بچه‌هایمان باشیم».

۳-۲) نگرانی از آینده: در این مفهوم علت ترس و اضطراب از مرگ در مادران، آینده‌کسانی است که به نوعی به آن‌ها وابسته و نیازمند بودند. مادران نگران بودند که در آینده و بعد از مرگ آن‌ها برای بازماندگانش چه اتفاقی می‌افتد و آیا قادر به زندگی و رفع نیازهایشان خواهند بود؟ همچنین این ترس مادران ناشی از آزار دیدن و آسیب دیدن بازماندگان به ویژه فرزند مبتلا به ایتسم خود، بعد از مرگشان بود. به عنوان نمونه شرکت‌کننده شماره ۴ گفت: «از بعد از مرگ وحشت دارم که بعد از مرگم، دخترم چی میشه و چه کار میکنه و گرنه از مرگ نمی‌ترسم»، شرکت‌کننده شماره ۶ گفت: «از مرگ نمی‌ترسم فقط می‌ترسم بچه‌هام تنها باشند. فقط تنهایی بچه‌هام نگرانم می‌کند. اگر دخترم اینطوری نبود خیلی آماده بودم برای مرگ حتی اگر الان مرگم می‌رسید آماده بودم». همچنین شرکت‌کننده شماره ۳ بیان نمود: «بیشتر به خاطر آینده فرزندم نگرانم که تو جامعه ما این طور بچه‌ها هنوز پذیرفته نشدن و خدمات آن چنانی براشون نداریم. خیلی جاها به یک چشم دیگه بهشون نگاه میکنن، ولی بیشتر از لحاظ امنیت آینده که بزرگ بشه و بتونه خدمات بگیره یا نه و چطور در جامعه پذیرفته بشه یا نشه این‌ها نگرانم میکنه الان که خودم در کنارش هستم نگرانی ندارم چون تا سر حد وجودم هر چیزی که باشه و هر کاری که بتونم

براش انجام میدم ولی از بعدها می ترسم وقتی که بزرگ میشه اگر من نباشم پدرش نباشد از اون موقع نگران میشم». همچنین شرکت کننده شماره یک بیان نمود: «تنها چیزی که مرا از مرگ نگران می کند فرزندم است. همیشه فکر می کنم که اگر من بمیرم بچه ام چه کار می کند؟ همیشه از آن ترس دارم. به خدا می گم اگر من مردم بچه ام ۵ دقیقه بعد از من بمیرد هر چند که دوست دارم عمرش طولانی شود اما می گم بعد از من دست کی می افتد؟ چون اصلاً نمی تواند از خودش مراقبت کند».

۳-۳) احساس گناه: مادران بیان کردند دلیل اصلی ترس از مرگ، اعمال و رفتاری است که فرد تا کنون انجام داده. ترس آن‌ها به خاطر مجازات‌هایی است که ممکن است به خاطر اعمال نادرستی که در دنیا انجام داده‌اند، باشد. فرد بر این باور است که راه رستگاری، مستقیم و باریک است و بیم آن می رود که هر گونه انحراف یا اشتباه ممکن است باعث مجازات آن‌ها شود. به عنوان نمونه شرکت کننده شماره ۶ گفت: «تلاشم اینکه طوری زندگی کنم که حق دیگران رو نخورده باشم و برای مرگ آماده باشم. از وقتی که رنج داشتن یک فرزند با اختلال اوتیسم رو تجربه کردم، نگاه به دنیا حس می کنم عوض شده و با اطرافیانم مهربون تر شدم و اونا هم تلاش می کنن تو مشکلاتم بشتر کمک کنن» و شرکت کننده شماره ۹ نیز بیان نمود: «من از مرگ می ترسم ولی واقعاً آدم راحت می شه، ترس من از اعمالیه که مرتکب شدم و باید جواب بدم، ولی از واقعیت اون دنیا ترس ندارم. از گناه و دین کسی بر گردنم باشه می ترسم و به خدا می گم گناهی که کردم و دینی که بر گردنم هست رو ببخش».

نتیجه گیری

این پژوهش به مطالعه کیفی جهان بینی مادران کودکان اوتیسم با پذیرش بالا پرداخت. با استفاده از برداشت‌های پژوهشگران از متن مصاحبه‌ها و نتایج تحلیل داده‌ها، می توان بیان کرد که عوامل بسیاری زیادی در تعیین جهان بینی مادران دارای فرزند اوتیسم با پذیرش بالا تأثیر داشتند. این عوامل ارتباط گسترده و به هم پیوسته‌ای داشتند، به طوری که می توان گفت که بیشتر عوامل بر یکدیگر اثر گذار بودند. در واقع، سلسه تصورات و درک انسان از عالم، از جهان و همچنین تفکر در رابطه جهان و انسان مشتمل بر جهان بینی است. در واقع هر مکتبی یک بینش خاصی، یک دیدگاه خاصی، یک برداشت خاصی، یک دریافت خاصی از جهان دارد که این برداشت خاص از جهان و این چگونگی دیدن عالم را می توان جهان بینی نامید (زارع، ۱۴۰۳).

بینش و دیدگاه مادران نسبت به زندگی دنیوی و زندگی اخروی در مقوله جهان بینی آورده شده است. دنیا و آخرت، ابتدا و انتهای زندگی انسان را مشخص می کنند و شناخت این دو مقوله و ارتباط آن دو با یکدیگر در جهت گیری و سعادت انسان بسیار مهم و تأثیرگذار است. جهت یابی افعال اختیاری انسان در گرو شناخت و درک صحیح او از زندگی این دو سرا است که این شناخت از ابعاد گوناگونی قابل بررسی است. در نگاه جهان بینی قرآن، خالق تمام کائنات خداوند است؛ اوست که برای تمام جهان، مبدا و مقصد محسوب می شود (رعد، ۱۶). قرآن بر هدفمندی جهان هستی تأکید می کند به گونه‌ای که رشد و کمال در جهان به سوی هدفی متعالی رهنمون است (روم، ۶۲) (فلاح، ۱۴۰۰). با توجه به آن چه مادران دارای فرزند اوتیسم بیان کرده‌اند، ابعاد و ویژگی‌های هر دو سرای دنیای مثنای و زندگی نامثنای و اضطراب مرگ استخراج گردیده است.

یکی از مقوله‌های مورد توجه در جهان بینی آن‌ها، دنیای مثنای بود. همان طور که یافته‌های پژوهش نشان می دهد این مقوله شامل مفاهیمی از جمله فناپذیری دنیا، دنیا محل گذر، تمام نشدن طمع ورزی دنیا و وجود رنج در زندگی است. این نتایج با پژوهش آهنگری و حسینی (۱۳۹۹) هم خوان است. در این پژوهش بیان شده است که روش و منش حیات دنیوی انسان، تأثیر مستقیم بر سعادت و شقاوت زندگی اخروی او دارد و بیان می دارد انسان‌ها در حیات پس مرگ، بدون استثنا بر سر سفره اعمال و کردار دنیوی خود می نشینند و روزی می خورند. بنابراین کسانی که عاقلانه و از روی آگاهی راه حق پیموده و در دنیا زندگی مؤمنانه در سایه احکام قرآن کریم داشته‌اند بدون تردید زندگی اخروی آنان سرشار از رحمت و نعمات الهی است و

به عکس، کسانی که آگاهانه و به اختیار خود زندگی ظالمانه تحت امر شیاطین انس و جن داشته‌اند، زندگی اخروی آنان نیز با رنج و سختی بلا وصف همراه خواهد بود، مگر کسانی که در شرایطی خاص به اذن الهی مورد شفاعت شافعیین قرار بگیرند. همچنین در پژوهش دیگری طالقانی (۱۴۰۲) نشان داد که جامعه سکولار مدرن این تفکر را شایع کرده است که ادیان و حجت‌های الهی کاری به زندگی دنیوی بشر نداشته‌اند و در جهان‌بینی دنیوی فقط به موضوعات اخروی از قبیل خداشناسی، بهشت و جهنم دعوت کرده‌اند. این تلقی سبب شده‌است که عموم مردم در برنامه‌های دنیوی، به دنبال آموزه‌های دینی نباشند و خود را مستغنا از آن‌بدانند. این شبهه که دین برای مسائل دنیوی ناقص است در پژوهش‌ها به دنبال نوآوری و طرح‌هایی پدیدارند که نشان داده شده‌است جهان‌بینی دینی به نیازهای زیستی، ایمنی و اجتماعی توجه شایانی دارد و توجه به فناپذیری زندگی دنیوی و رنج‌های ناشی از بیماری، باعث شده‌است، که انسان برای حیات خود از احادیث و دستورات عمل‌هایی جهت صحت خود در این دنیا استفاده کند.

در اینباره می‌توان گفت مفهوم پذیرش نیز در دیدگاه اکت به ایجاد یک زندگی غنی و پر معنا در حالی که فرد رنج‌ناگزیر موجود در حیات دنیا را می‌پذیرد اشاره دارد. در واقع پذیرش یعنی تمایل به اینکه آنچه شخص تجربه می‌کند، به گفته هیز تجربه‌ای کامل و بدون دفاع باشد (Pakenham et al. 2023). درک حضور آنکه ما در یک جهان متناهی و مادی زندگی می‌کنیم، می‌تواند پذیرش و توان ما را برای رویارویی با درد و پریشانی روانشناختی اجتناب‌ناپذیر از رنج دنیا، بیشتر کند و فرد درک می‌کند بدون تمایل به تجربه این درد، دستیابی به چیزهای ارزشمند در این مسیر، میسر نخواهد شد (Bai et al. 2020). پژوهش‌ها ثابت کرده‌است که وقتی احساس رنجی در شما وجود دارد و شما افکار مربوط به آن احساس را سرکوب می‌کنید، به جای آنکه شرایط را بپذیرید، همان احساس موجب تحریک و فراخوانی آن افکار می‌شود. همچنین راهکارهای سرکوب‌کننده نیز آن فکر و آن احساس را تحریک و فراخوانی می‌کند و رنج با حالات شدیدتری بروز خواهد کرد. بنابراین هدف خودشناسی و خداشناسی در دیدگاه‌های عرفانی این است که به افراد آموخته شود بر طبق آیات قرآن این دنیا فی‌نفسه مادی و متناهی است و انسان در رنج آفریده شده‌است و با پذیرش این شرایط، فرد می‌تواند حضور ملموس خود را در این بستر درک کرده تا به وسیله آن، رنج‌های درون‌آدمی تسکین یابد (طالقانی، ۱۴۰۲). باید به نقص و کاستی خود آگاه شد و آن را پذیرفت. هر چند پذیرش نقص دردناک خواهد بود. دردهای روانی و رنج‌های انسان اگرچه پنهان است و در ناخودآگاه او رسوخ دارد و آنجا حضور دائمی دارد، اما می‌تواند زمینه رشد و تکامل انسان را فراهم کند. پذیرش ارزش‌های وجودی انسان نظیر آزادی، مرگ، رنج و غیره که در جهان‌بینی او واقع است، می‌تواند توان مقابله فرد را با رنج‌هایش افزایش دهد (عزیزپور و همکاران، ۱۴۰۳). زندگی مانند سیلی پرسرعت می‌گذرد، چه پر از نعمت و شادی و چه پر از نقصان و غم باشد. بنابراین هم جهان‌بینی توحیدی و هم اکت با تأکید بر اینکه زندگی همین لحظات اکنون است و آنچه اکنون انجام می‌دهی، آینده تورا خواهد ساخت، بر اهمیت پذیرش شرایط و رشد از دل همین شرایط تأکید می‌کند.

اختلاف بارز بین عالم دنیا و عالم آخرت محدودیت عمر دنیا و جاودانگی آخرت است. متون اسلامی در مواردی متعدد فنای دنیا را مورد تصریح قرار داده‌اند. تعبیر و تشابهاتی که از دنیا ارائه گردیده، به خوبی ناپایداری و زوال آن را به تصویر کشیده‌اند. تعبیر بسیار زیادی در این زمینه در احادیث و روایات و کتب دینی آمده است که همگی بیانگر فناپذیری زندگی دنیوی است و دلیلی بر ناپایداری و زوال آن است. دنیا گذرگاه است و هر گذرگاه به قرارگاهی فرجام می‌پذیرد. جهان طبیعت همواره در حال کوشش و پویایی و حرکت از جوّه به فعل است (غفاری، ۱۴۰۰). گذرایی و انتقال زندگی از معنای آن نمی‌کاهد، بلکه در ما احساس وظیفه و مسئولیت را بیدار می‌کند. شیوه برخورد انسان با گذرایی امکانات، و اینکه چگونه انتخابی به عمل می‌آورد. انسان پیوسته در میان موج عظیمی از توانایی‌ها و امکانات نهفته خود در حال گزینش است که کدامین آنها می‌بایست شکوفا و بارور گردد و کدامین محکوم به نابودی و فراموشی است (فیاضی، ۱۳۹۸). بنابراین مادران کودکان اتیسم با درک آنکه دنیا مکانی فناپذیر است، تلاش می‌کنند با پذیرش شرایط

موجود، از امکاناتشان حداکثر استفاده را کرده و زندگی را با نشاط بیشتر پیش ببرند و کمال اخروی و سرای جاوید را در نظر داشته باشند که این خود باعث می‌شود با سختی‌های داشتن فرزند اوتیسم بهتر کنار بیایند. خواهد شد (مختاری و غفاری، ۱۴۰۲). همچنین در تعبیر قرآن آمده است که انسان موجودی طمع ورز و حرص است. دنیا در دید اسلام، مقدمه و گذرگاه آخرت است. اسلام دنیا را نفی نمی‌کند؛ تمتعات دنیوی را منفور نمی‌شمارد؛ انسان را با همه استعدادها و غرایز در صحنه زندگی، فعال می‌طلبد؛ اما همه این‌ها باید در خدمت تعالی و رفعت روح و بهجت معنوی انسانی قرار گیرد تا زندگی در همین دنیا هم شیرین شود (غفاری، ۱۴۰۰). گذرایی بودن دنیا باعث می‌شود مادران کودکان اوتیسم، پادشاه‌های سرای آخرت را دارای ارزش بیشتری نسبت به دنیا دانسته و طمع‌ورزی در دنیا اجتناب کرده و سختی‌های دنیا را برای رسیدن به آسایش آخرت تحمل کنند (جوادی آملی، ۱۴۰۰). همچنین رنج، بخش غیرقابل ریشه کن شدن زندگی است، گرچه به شکل سرنوشت و مرگ باشد. زندگی بشر بدون رنج و مرگ کامل نخواهد شد (فرانکل، ۱۳۹۶). حتی بهترین زندگی‌های انسانی نیز به ناچار در گیر دردهای معناداری هستند (هریس، ۱۳۹۵). درک آنکه تمام انسان‌ها به نحوی در گیر رنج خواهند شد باعث می‌شود مادران دارای فرزند اوتیسم بتوانند رنج‌های خود را قابل تحمل‌تر بدانند و به افزایش پذیرش آن‌ها منجر شود.

مقوله مورد توجه دیگر در جهان‌بینی مادران دارای کودک اوتیسم با پذیرش بالا، که از مصاحبه‌ها استخراج شد؛ زندگی نامتناهی می‌باشد که شامل مفاهیم پذیرش مرگ، زندگی حقیقی پس از مرگ، فراتر دید دنیای پس از مرگ، بازخورد گرفتن از اعمال و رفتار، آمادگی برای مرگ، مرگ به عنوان نیروی شفا بخش و مرگ به عنوان آرامش ابدی است. این مقوله با مفهوم معادشناسی در پژوهش متولی (۱۳۹۸) همسو است. یکی از مفاهیم بسیار مهم به دست آمده در این پژوهش، مفهوم باور به دنیای پس از مرگ است که بیشتر در قالب مذهب و باورهای دینی مطرح می‌شود. از آنجایی که انسان‌ها فطرتاً میل به جاودانگی دارند، وجود جهانی پس از مرگ موجب می‌گردد هر فردی هدفمندانه‌تر به زندگی ادامه دهد و با امید به دیدن نتیجه رفتار و اعمال خود در جهانی دیگر به زندگی ادامه دهد. در پژوهشی دیگر ذاکری (۱۳۹۹) نشان داد که اعتقاد به جهان اخروی به دلیل آن است که متفکران مسلمان انسان مرکب را از نفس مجرد و بدن می‌دانند که لازمه پذیرش تجرد این است که نفس مجرد با مرگ از بدن جدا می‌شود و به زندگی حقیقی پس از مرگ پیوند می‌خورد. ادامه زندگی انسان پس از مرگ وابسته به خداوند است و اوست که با قدرت خود همه یا برخی از انسان‌ها را زنده نگه می‌دارد یا پس از فاصله‌ای زمانی، بار دیگر زنده می‌کند. این نتایج با نتایج پژوهش قربانی (۱۴۰۰) نیز همسو است. او در پژوهش خود نشان می‌دهد که آموزه آخرت‌باوری، ضمن تضمین متعلق واقعی حس جاودانگی طلبی آدمی در جهان دیگر، زندگی دنیوی او را معنادار و هرگونه یاس و ناامیدی را از او دور ساخته است و به رنج‌ها، سختی‌ها و خوشی‌های او معنا داده و شوق پرواز به سوی عالم جاویدان، پذیرش مرگ و زندگی حقیقی پس از مرگ را در او شعله‌ور می‌سازد. همچنین در پژوهشی که سلیمی بجستانی و وجدانی همت (۱۳۹۵) به بررسی فواید مرگ از دیدگاه وجودی پرداختند نشان داده شد: ۱. ارتقای هستی انسان به مرتبه‌ای بالاتر، ۲. کسب کمال و معنی در زندگی، ۳. تفکر مرگ، اصالت زندگی است، ۴. باعث زندگی در اکنون می‌شود، ۵. استفاده حداکثری از لحاظ زندگی می‌شود، ۶. باعث نپرداختن به مشغولیت‌های زندگی می‌شود. همچنین با توجه به محدودیت‌های دنیا و ویژگی‌های زندگی اخروی، مرگ می‌تواند آرامشی باشد برای انسان‌ها که این امر به چگونگی زندگی کردن و نحوه استفاده از فرصت محدود دنیا بستگی دارد.

در تبیین این نتایج می‌توان گفت دریافت مادران دارای فرزند اوتیسم از آن که جاودانگی سرای اخروی، حقیقتی است و می‌تواند تحمل رنج‌های مرتبط با فرزندان‌شان را پذیرفتنی‌تر کند. قریب هشتاد آیه قرآن، دلالت بر ابدیت و جاودانگی جهان آخرت دارد و پایداری سرای اخروی را به طور ویژه، مورد تصریح قرار داده است؛ در یکی از آیات مربوطه، واژه «أَبْقَى» در هم‌نشینی با واژه «خَيْر» به عنوان صفتی برای آخرت بیان شده است: (وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ وَأَبْقَى)؛ در حالی که آخرت بهتر و پایدارتر است (مختاری و غفاری، ۱۴۰۲). از جمله مفاهیم استخراج شده دیگر از این مقوله، مفهوم پذیرش مرگ است که اشاره دارد

یکی مرگ از مقتضیات وجودی انسان است و حقیقتی است که در محدوده جان آدمی رخ نشان می‌دهد و فرار از آن به بن‌بست می‌رسد. مادران فرزند اتیسم با درک آنکه انسان موجودی مرگ آگاه است؛ یعنی از پیش می‌داند که زندگی کنونی وی پایدار نیست و بقا ندارد و معنا شدن زندگی برای او جز از رهگذر معناداری مرگ ممکن نیست، در میابد که این موجود آرزومند بقا جز از مسیر اخروی به یکپارچگی وحدت و آرامش دست نمی‌یابد. آدمی دریافته است که مرگ و زندگی از اختیار او بیرون است (زاگری، ۱۳۹۹). همچنین توجه به زندگی حقیقی پس از مرگ این امکان را برای ما فراهم می‌کند که این دنیا وسیله است که باید از آن عبور کرد. دنیایی نیست که در این زیست کرد؛ یک راهی هست، راه است برای رسیدن به یک مقصد عالی (رودبندی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۶). بنابراین در جهان بینی مادران کودکان اتیسم حیات آخرت، زنده است. اینجا زندگی نیست، مردگی است اینجا. حیات آخرت حیات است: «همانا زندگی آخرت زندگانی حقیقی است» (سوره عنکبوت، آیه ۶۴). حیات حقیقی مربوط به عالم آخرت است. در آنجاست که انسان به صورت ابدی زندگی خواهد کرد (ملاصدرا، ۱۹۸۷؛ به نقل از رجبی، ۱۳۹۸) و این نوع نگرش سختی‌های دنیا را برای او آسودنی تر می‌کند. همچنین مادران اتیسم می‌دانند که هر عملی در این دنیا عکس‌العملی دارد. از این رو با بازخورد گرفتن از اعمال و رفتار خود می‌تواند برای زندگی نامتناهی آماده شود و رفتار و اعمال خود را با کودک اتیسم خود مبتنی بر محبت، عشق و پذیرش پایه‌ریزی کند (قربانی، ۱۴۰۰). هر انسانی با یادآوری مرگ و زندگی پس از آن، قبل از هر گونه تصمیم‌گیری، به بررسی فعل و عملی که قصد انجام آن را دارد پرداخته و تلاش می‌کند منفعت و ضرر عمل خود را با توجه به آخرت بسنجد و در عینی که مواظب عملکرد خود می‌باشد، بر این باور استوار است که زندگی با مرگ خاتمه پیدا نمی‌کند بلکه وارد مرحله جدیدی می‌شود که جاودانگی را با خود به همراه دارد (متولی، ۱۳۹۸). تمام این مفاهیم باعث آمادگی مادران کودکان اتیسم برای مرگ خواهد شد. او در می‌یابد که دنیا مانند رحمی است که انسان را آماده می‌کند برای دنیای وسیع‌تر، مرگ دوره انتقال از این دنیا به آن دنیاست (طاهرزاده، ۱۳۸۷).

با توجه به اینکه زندگی اصلی و ماندگار انسان‌ها در زندگی اخروی است لذا این دنیا فرصتی است برای کسب آمادگی و مهیا شدن برای زندگی حقیقی که در انتظار ما آدمیان است. در نهایت مرگ را به عنوان نیروی شفافبخش و آرامش ابدی در نظر خواهد گرفت که ماه غسل رنج‌ها و سختی‌هایی است که در دنیا تحمل کرده است. در نگاه آدمی مرگ دو کاربرد عمده دارد: اول آنکه مرگ از چنان اهمیتی برخوردار است که اگر درست با آن مواجه شویم، می‌تواند چشم‌انداز زندگی فرد را دگرگون کند و او را به غوطه‌ور شدن در زندگی اصیل رهنمون کند. دوم اینکه ترس از مرگ، سرچشمه اصلی اضطراب است و این اضطراب در شکل دادن به شخصیت مؤثر است. چگونگی نگرش به مرگ نقش تعیین‌کننده‌ای در حل اضطراب‌ها دارد. نگرش به مرگ به معنای واکنش‌های هیجانی، شناختی و رفتاری به مرگ تعریف شده است (Zhu et al., 2021). نگرش به مرگ با توجه به آنکه ما دنیایی پس از مرگ متصور هستیم یا نه، می‌تواند مثبت یا منفی باشد. اجتناب از مرگ نگرش‌های منفی هستند و نگرش‌های مثبت شامل باورهای کنار آمدن با مرگ، اعتقاد به جهان پس از مرگ و پذیرش مرگ می‌شود (طالبی و همکاران، ۱۴۰۴). نگرش به مرگ و دنیای پس از مرگ، امیدواری را در فرد افزایش داده و ظرفیتی است که اعمال و افکار فرد را توانمند کرده و می‌تواند پذیرش در برابر مشکلات را برای فرد فراهم کند.

در نهایت مقوله مورد توجه در جهان‌بینی مادران دارای کودک اتیسم با پذیرش بالا، اضطراب مرگ است که به عنوان یک ترس غیرعادی و بزرگ از مرگ همراه با احساساتی از وحشت از مرگ یا دلهره هنگام فکر به فرآیند مردن یا چیزهایی که پس از مرگ رخ می‌دهند، تعریف می‌کنند (مزینانی، ۱۴۰۲). مقوله اضطراب مرگ شامل مفاهیم ترس از مرگ، نگرانی از آینده و احساس گناه می‌باشد. این نتایج با پژوهش غنوی و شجاعی (۱۴۰۱) همسو است. در این پژوهش نشان داده شد که اضطراب مرگ با ده نشانه ناراحتی و غم، گریه و فریاد، فرار از مرگ، نفرت از مرگ، بی‌قراری دائمی، زیاد فرک کردن به مرگ، خواب‌های آشفته با محتوای مرگ، عدم پذیرش مرگ، احساس نگرانی و شرم و احساس حسرت ازدست دادن دنیا و آینده ارتباط دارد. در تبیین این نتایج می‌توان گفت ترس و اضطراب در افراد یا از مواجه شدن با مسلمات هستی و غایی نشأت

می‌گیرد و یا به دلیل دغدغه‌های شخصی خود فرد است. یالوم ترس و اضطراب را در اکثر موارد برخاسته از رویارویی فرد با مسلمات هستی دانسته و معتقد است بسیاری از ناراحتی‌های روحی به علت ضعف و ناتوانی افراد در عدم رویارویی موفقیت آمیز و مورد رضایت با ترس و اضطراب‌های وجودی است (یالوم، ۲۰۱۶؛ به نقل از شایانفر و قلعه، ۱۳۹۸). تجربه اضطراب مرگ تجربه‌ای طبیعی و نرمال است و حتی داشتن این اضطراب در حد تعادل در زندگی هر فرد لازم است و سبب به فعالیت واداشتن شخص در یکسری مسیرهای مثبت می‌گردد (حاجی پوران بنام و همکاران، ۱۴۰۲). هر چند که اضطراب مرگ به عنوان ترس غیرعادی از مردن خود و دیگران تعریف می‌شود اما این ترس در مادران به صورت غیر عادی و نابهنجار نمایان نشد و باعث اختلال در امور روزمره آن‌ها نگردید، اما به دلیل نوعی ترس از مرگ که آن‌ها همراه داشتند این مقوله از مقوله معادشناسی جدا شده است. چرا که مادران چنانچه مرگ را پذیرفته بودند و دید مثبت و خوشایندی نسبت به آن داشتند اما در کنار آن یک احساس ترس را نیز به همراه داشتند که به سه عامل آن ترس از وقایعی که بعد از مرگ اتفاق می‌افتند و خداوند آن‌ها را وعده داده است مانند وجود پل صراط و عبور از آن، ترس دوم ناشی از اعمالی که فرد در دنیا انجام داده است و ممکن است تبعات ناخوشایندی برای او در بعد از مرگ به دنبال داشته باشد و سومین عامل ترس که اکثر قریب به تمام مادران به آن اشاره کردند نگرانی از آینده فرزندان به خصوص فرزند بیمار آن‌ها است. همچنین چنانچه مادر در روابط خود احساس کند نسبت به فرزند خود کوتاهی کرده است، ممکن است احساس گناه را تجربه کند که این خود به نوبه خود با اضطراب مرگ ارتباط دارد.

در رابطه با اضطراب مرگ در جهان‌بینی مادران کودکان اوتیسم و تأثیر آن بر کاهش پذیرش می‌توان گفت که این مادران با احساس سرشکستگی، آسیب دیده و دور از امید به آینده می‌نگرند که می‌تواند پذیرش شرایط را برای آن‌ها دشوار کند. در عوض رویکرد اکت با مفهوم پذیرش شرایط، همیشه نوعی از توانمندسازی را که زندگی مبتنی بر ارزش‌ها، غنا و پر معنا است و آن را در دسترس همه قرار می‌دهد تعریف می‌کند (Arch et al. 2017). پذیرش درد را جزئی از زندگی در نظر گرفته و مرگ را پلی می‌داند که می‌تواند به زندگی به عنوان یک ارزش معنا دهد. این انتخاب‌های ما است که به‌طور فزاینده در برگیرنده زمان حال و گام رو به جلو در جهت ایجاد یک زندگی ارزشمند است. استفاده از تمرینات تجربه‌ای و استعاره‌ها می‌تواند به مراجع کمک کند تا مرگ را به عنوان یک رویداد اجتناب‌ناپذیر برای همه انسان‌ها ببیند و به مراجع کمک کند تا اهدافی را که به‌طور هدفمند و معنادار در زندگی‌شان بر می‌گزینند را به‌طور کلامی (ارزش‌ها) بیان کنند و به تغییرات رفتاری پایدار مبتنی بر ارزش‌ها (علم متعهدانه) متعهد شوند. بنابراین مادری که به پذیرش اضطراب مرگ نپردازد و نتواند مرگ را به عنوان یک رویداد اجتناب‌ناپذیر به عنوان یک ارزش در نظر بگیرد، می‌تواند در او ایجاد احساس گناه کرده و با افزایش ترس از مرگ، پذیرش او را در قبال مرگ کاهش دهد (Li et al. 2021).

با توجه به یافته‌های پژوهش می‌توان نتیجه گرفت که جهان‌بینی هر فرد تأثیراتی بر نحوه ادراک آن‌ها از سختی‌ها و پذیرش مشکلات زندگی دارد و نگرش صحیح در مادران دارای فرزند اوتیسم موجب پذیرش فرزند از سوی آن‌ها می‌شود. سه مقوله فرعی جهان‌بینی این افراد که از مصاحبه‌ها استخراج شد شامل زندگی متناهی، زندگی نامتناهی و اضطراب مرگ بود. تمامی مقوله‌های مطرح شده و مفاهیم هر مقوله با یکدیگر ارتباط متقابل و تنگاتنگی دارند و این رابطه‌ها مانند یک چرخه تکرار ناپذیر در کل زندگی مادران همواره وجود دارد و باعث فراهمی شدن تحمل در برابر سختی‌ها و پذیرش فرزندانشان می‌شود. در نهایت پیشنهاد می‌شود. بنابراین یافته‌های پژوهش حاضر می‌تواند دلالت بر اهمیت جهان‌بینی در پذیرش کودکان اوتیسم از سوی مادران باشد و ارائه و آموزش مداخلات درمانی مبتنی بر جهان‌بینی در مراکز را مهم دانست.

با توجه به اینکه جهان‌بینی از مباحث پیچیده کمتر بررسی شده پژوهشی به شمار می‌آید، در فرایند مصاحبه ممکن بود از درک و بیان آن عاجز بودن و پاسخگویی برخی مادران با سختی و مشکل همراه بود. به علت محدودیت در نمونه‌گیری، متغیرهایی همچون میزان حمایت همسر، شدت اوتیسم کودک و میزان گرایش مذهبی مادران کنترل نشد. هریک از این عوامل نوع جهان‌بینی فرد را به زندگی دنیوی و اخروی تحت تأثیر قرار می‌دهد. همچنین برای سهولت در انجام مصاحبه‌ها و اطمینان

از درک سؤالات، از مادرانی که سطح تحصیلات کمتر از دیپلم داشتند، نمونه‌گیری نشد. نمونه پژوهش کشور محدود به جنوب کشور و شهر آبادان بود که تعمیم یافته‌های پژوهش را با محدودیت مواجه می‌کند. همچنین یافته‌های پژوهش حاضر می‌تواند منجر به تدوین یک مدل مفهومی جدید برای ساخت ابزارهای کمی نظیر مقیاس جهان‌بینی مادران کودکان اتیسم شده و مؤلفه‌های استخراج‌شده در پژوهش از دیدگاه جهان‌بینی مادران را مورد سنجش قرار دهد.

با توجه به این نتایج پیشنهاد می‌شود برنامه مداخله‌ای مبتنی بر جهان‌بینی در مراکز درمانی و آموزش مربوط به کودکان اتیسم برای مادرانی ارائه شود که شرایط فرزند بیمار خود را نپذیرفته‌اند. همچنین پیشنهاد می‌شود این پژوهش روی مادرانی انجام شود که فرزندى با سایر اختلالات عصبی-رشدی دارند. با توجه به اینکه نوع جهان‌بینی افراد تحت تأثیر فرهنگ قرار دارد، پیشنهاد می‌شود این پژوهش در فرهنگ‌های دیگر نیز اجرا و نتایج آن مقایسه شود. در نهایت پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی شدت اتیسم کودک، میزان حمایت همسر و شدت گرایش مذهبی مادران نیز کنترل شود تا بتوان به درک بهتری از نوع جهان‌بینی مادران دارای فرزند اتیسم رسید.

این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته روانشناسی مصوب دانشگاه اردکان است. اصول اخلاق در پژوهش به شماره IR.YAZD.REC.1399.019 در کمیته اخلاق در پژوهش دانشگاه یزد تصویب شده است.

منابع

- احمدیان، مجتبی و طهرانچی، عطا (۱۴۰۴). واکاوی تطبیقی رویکرد درمانی پذیرش و تعهد (اکت) با تعالیم روانشناختی امام رضا، پژوهشنامه امام رضا و علوم روز، ۱، ۳۲-۱.
- اشتراس، انسلم، و کورین، جولیت (۱۳۹۶). مبانی پژوهش کیفی: فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای. ترجمه ابراهیم افشار، تهران: نشر نی.
- افکاری، محمدعلی (۱۳۹۹). نبرد ایدئولوژیک، کنفرانس بین‌المللی فقه، حقوق و پژوهش‌های دینی، دوره ۱.
- آهنگری، بهروز و حسینی، سیده فاطمه (۱۳۹۹). تأثیر ظرفیت‌های حیات دنیوی بر زندگی اخروی از منظر قرآن، فصلنامه مطالعات قرآنی، ۱۱(۴۳)، ۵۶-۳۵.
- بازرگان، عباس (۱۳۹۸). مقدمه‌ای بر روش‌های تحقیق کیفی و آمیخته: رویکردهای متداول در علوم رفتاری، چاپ دهم، تهران: نشر دیدار.
- حاجی پوران بنام، ژیل؛ فهیمی تبار، ستار و تولایی، عباس (۱۴۰۲). بررسی تطبیقی روش‌های درمانی اضطراب مرگ در قرآن کریم و روانشناسی، مجله قرآن و طب، ۸(۳)، ۲۴-۱۲.
- رودبندی‌زاده، مهدی و فیاضی، غلام‌رضا (۱۳۹۶). دلایل و شواهد قرآنی بر تجرد عقلی روح در قرآن، معرفت کلامی، ۸(۱)، ۹۵-۱۱۰.
- رجبی، ابودر (۱۳۹۸). نفی پوچی از منظر هستی‌شناختی در اندیشه ملاصدرا، دوفصلنامه علمی پژوهش‌های هستی‌شناختی، ۸(۱۵)، ۴۳-۶۵.
- زارع، روزبه (۱۴۰۳). علم و الهیات، طبیعی‌گرایی روش‌شناختی و جهان‌بینی توحیدی، فصلنامه علمی-پژوهشی ذهن، ۲۵(۹۷)، ۵-۳۷.
- زاکری، مهدی (۱۳۹۹). بررسی سازگاری نظریه تجرد نفس با آموزه‌های قرآنی مربوط به زندگی اخروی، فصلنامه نقد و نظر، ۲۵(۹۹)، ۳۰-۵۳.
- سید قطب (۱۳۶۹). ویژگی‌های ایدئولوژی اسلامی، ترجمه سید محمد خامنه‌ای، چاپ اول، کیهان.
- سلیمی بجزستانی، حسین؛ وجدانی همت، مهدی (۱۳۹۵). بررسی تطبیقی مفهوم مرگ در روانشناسی وجودی و دیدگاه قرآنی علامه طباطبایی. پژوهشنامه معارف قرآنی، ۶(۲۲)، ۳۶-۷.
- شایانفر، شهناز؛ قلعه، الهه (۱۳۹۸). مؤلفه‌های مابعدالطبیعی معنای زندگی به روایت اروین یالوم، دوفصلنامه علمی پژوهش‌های هستی‌شناختی، ۸(۱۵)، ۹۳-۶۷.
- طالبی، غلامرضا؛ باقریان سرارودی، رضا؛ رضایی جمالویی، حسن؛ عریضی، حمیدرضا؛ باقریان سرارودی، پگاه (۱۴۰۴). اثربخشی مداخله شناخت درمانی مبتنی بر ذهن آگاهی بر نگرش به مرگ و امیدواری زنان مبتلا به سرطان سینه: یک کارآزمایی بالینی تصادفی شده، روانشناسی بالینی و شخصیت، ۳۳(۱)، ۱-۱۰.
- طالقانی، حسن و بابازاده، علی (۱۴۰۲). نقش حجج الهی در پیشرفت و بهبود زندگی دنیوی بشر. فصلنامه تحقیقات کلامی، ۱۱(۴۱)، ۱۱۵-۱۴۲.
- ظاهرزاده، اصغر (۱۳۸۷). معاد، بازگشت به جدی‌ترین زندگی. تهران: لب‌المیزان.
- علم‌الهدی، جمیله (۱۳۹۹). ضرورت هستی‌شناختی رنج، فصلنامه انتقادی در حوزه علم دینی و علوم انسانی اسلامی، ۲۰(۸۸)، ۴۳-۷۸.

- عزیزپور، امیرابوالفضل، آزموده، معصومه، آیرملو، هرمز و حسینی نسب، سید داود (۱۴۰۳). مقایسه اثربخشی درمان مبتنی بر پذیرش و تعهد و درمان متمرکز بر شفقت بر اضطراب مرگ و ترس از سقوط در بیماران مبتلا به مولتیپل اسکلروزیس: یک مطالعه نیمه تجربی. *مجله دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان*، ۲۳ (۸)، ۶۷۷-۶۹۰.
- غفاری، ابولحسن (۱۴۰۰). *علم النفس فلسفی علامه طباطبائی*، چاپ اول، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- غنوی، فاطمه و شجاعی، محمدصادق (۱۴۰۱). مدل مفهومی اضطراب مرگ بر اساس متون دینی، *فصلنامه مطالعات اسلام و روانشناسی*، ۱۶ (۳۱)، ۳۷-۵۹.
- فرانکل، ویکتور (۱۳۹۶). *انسان در جستجوی معنا*. ترجمه عباس مهین میلانی. تهران: درسا.
- فلاح، محمود (۱۴۰۰). واکاوی معناشناسی شناختی منشأ قدرت سیاسی در پرتو جهان بینی قرآنی، *فصلنامه علمی رهیافت های سیاسی و بین المللی*، ۱۳ (۶۸)، ۳۷-۵۴.
- فیاضی، غلامرضا (۱۳۹۸). *در سنامه علم النفس فلسفی*. تهران: سمت.
- قربانی، قدرت الله (۱۴۰۰). رابطه جاودانگی و آخرت باوری با معنای زندگی، *مجله پژوهش های مابعدالطبیعی*، ۲ (۴)، ۱۰۶-۱۳۳.
- متولی میدان شاه، زهرا (۱۳۹۸). بررسی کیفی نقش هستی شناسی بر امیدواری مادران کودکان سرطانی: ارائه مدل مداخله ای، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه اردکان.
- محدثی، جواد (۱۳۸۸). علم، معیار ایمان، فرهنگ کوثر، ۷۸، ۸-۱۷.
- مختاری، حمید و غفاری، ابوالحسن (۱۴۰۲). جایگاه هستی شناختی و معرفت شناختی فطرت و ارتباط آن با عقل نظری و عملی، *فصلنامه تاریخ فلسفه اسلامی*، ۲ (۶)، ۷۱-۹۴.
- مزیانی، میترا (۱۴۰۲). بررسی اضطراب مرگ و کیفیت خواب در زنان سالمند، پیشرفت های نوین در روانشناسی، علوم تربیتی و آموزش و پرورش، ۶ (۶۷)، ۱۳۰-۱۴۳.
- هریس، راس (۱۳۹۵). *القبای درمان مبتنی بر پذیرش و تعهد: ACT به زبان ساده*، ترجمه انوشه امین زاده. تهران: انتشارات ارجمند.

- Arch, J. J., & Mitchell, J. L. (2017). An Acceptance and Commitment Therapy (ACT) group intervention for cancer survivors experiencing anxiety at re-entry. *Psycho-Oncology*, 26(9), 352-357.
- Bond, F. W., Hayes, S. C., Baer, R. A., Carpenter, K. M., Guenole, N., Orcutt, H. K., Waltz, T., & Zettle, R. D. (2011). Preliminary psychometric properties of the Acceptance and Action Questionnaire-II: A revised measure of psychological inflexibility and experiential avoidance. *Behavior Therapy*, 42, 676-688.
- Bai, Z., Luo, S., Zhang, L., Wu, S., & Chi, I. (2020). Acceptance and commitment therapy (ACT) to reduce depression: A systematic review and meta-analysis. *Journal of Affective Disorders*, 260, 728-737.
- Chung, S., & Woo Son, J. (2020). Visual perception in autism spectrum disorder: A review of neuroimaging studies. *Journal of the Korean Academy of Child and Adolescent Psychiatry*, 31(3), 105-120.
- Caletti, E., Massimo, C., Magliocca, S., Moltrasio, C., Brambilla, P., & Delvecchio, G. (2022). The role of acceptance and commitment therapy in the treatment of social anxiety: An updated scoping review. *Journal of Affective Disorders*, 310, 174-182.
- Graaf, D. L., Trompeter, H. R., Smeets, T., & Mols, F. (2021). Online Acceptance and Commitment Therapy (ACT) interventions for chronic pain: A systematic literature review. *Internet Interventions*, 26, e100465.
- Hassen, N. B., Molins, F., Garrote-Petisco, D., & Serrano, M. A. (2022). Emotional regulation deficits in autism spectrum disorder: The role of alexithymia and interception. *Elsevier Ltd*.
- Holden, R. R., Campos, R. C., & Lambert, C. E. (2020). Psychological pain and self-harming behaviours in an adulthood community sample: An exploratory study. *The European Journal of Psychiatry*, 34(3), 173-176.
- Hayes, S. C., Luoma, J. B., Bond, F. W., Masuda, A., & Lillis, J. (2006). Acceptance and commitment therapy: Model, processes and outcomes. *Behaviour Research and Therapy*, 44(1), 1-25.
- Jassim, N., Baron-Cohen, S., & Suckling, J. (2021). Meta-analytic evidence of differential prefrontal and early sensory cortex activity during non-social sensory perception in autism. *Neuroscience & Biobehavioral Reviews*, 127, 146-157.
- Javadi Amoli, A. (2021). *Epistemology in the Qur'an* [in Persian]. Esra Publications.
- Kourti, M. (2021). A critical realist approach on autism: Ontological and epistemological implications for knowledge production in autism research. *Frontiers in Psychology*, 12, 1-15.

- Li, H., Cho, L. W., Xiaohuan, J., Chen, J., YuChong, Y., & Yang, B. (2021). Effects of Acceptance and Commitment Therapy on health-related outcomes for patients with advanced cancer: A systematic review. *International Journal of Nursing Studies*, *115*(2), 415–421.
- Okay, K., Varis, P. U., Miral, S., Ekinci, B., Yaras, T., Karakulah, G., & Oktay, Y. (2021). Alternative splicing and gene co-expression network-based analysis of dizygotic twins with autism-spectrum disorder and their parents. *Journal of Genomics*, *113*(4), 2561–2571.
- Prior, S., & Renaud, K. (2020). Age-appropriate password "best practice" ontologies for early educators and parents. *International Journal of Child-Computer Interaction*, *32*(7), 1–9.
- Park, S. E., Grados, M., Wachtel, L., & Kaji, S. (2021). Use of electroconvulsive therapy in autism. *Psychiatric Clinics of North America*, *44*(1), 23–33.
- Pakenham, K. I., & Landi, G. (2023). A pilot randomised control trial of an online acceptance and commitment therapy (ACT) resilience training program for people with multiple sclerosis. *Multiple Sclerosis*, *1*(1), 27–50.
- Rickardsson, J., Gentili, C., Holmström, L., Zetterqvist, V., Andersson, E., Persson, J., Lekander, M., Ljótsson, B., & Wicksell, R. K. (2021). Internet-delivered acceptance and commitment therapy as microlearning for chronic pain: A randomized controlled trial with 1-year follow-up. *European Journal of Pain*, *25*(5), 1012–1030.
- Sato, A., Murakami, H. K., Tanaka, M., Katoh, Y., & Ikeda, K. (2022). Influence of prenatal drug exposure, maternal inflammation, and parental aging on the development of autism spectrum disorder. *Frontiers in Psychiatry*, *13*, e821455.
- Strauss, A. L., & Corbin, J. (1990). *Basics of qualitative research: Grounded theory procedures and techniques*. Sage.
- Wilms, S. (2016). *Dealing with existential themes in acceptance and commitment therapy: A qualitative interview study*. Master's thesis, University of Twente.
- Xiao, Y., He, L., Chang, W., Zhang, S., Wang, R., Chen, X., et al. (2020). Self-harm behaviors, suicidal ideation, and associated factors among rural left-behind children in west China. *Annals of Epidemiology*, *42*, 42–49.
- Xu, H., O'Brien, W. H., & Chen, Y. (2020). Chinese international student stress and coping: A pilot study of acceptance and commitment therapy. *Journal of Contextual Behavioral Science*, *15*, 135–141.
- Zhu, X. Y., Li, Z., Chen, C., Feng, R. L., Cheng, B. R., Liu, R. Y., Wang, R. T., Xu, L., Wang, Y., Tao, X., & Zhao, P. (2021). Physical therapies for psychosomatic symptoms and quality of life induced by aromatase inhibitors in breast cancer patients: A systematic review and meta-analysis. *Frontiers in Oncology*, *11*, e745280.
- Zhao, C., Lai, L., Zhang, L., Cai, Z., Ren, Z., Shi, C., Luo, W., & Yan, Y. (2021). The effects of acceptance and commitment therapy on the psychological and physical outcomes among cancer patients: A meta-analysis with trial sequential analysis. *Journal of Psychosomatic Research*, *140*, e110304.